



دانشکده علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان
اندیشه‌ی دینی در شعر دوره‌ی مشروطه

استاد راهنما
دکتر محمود درگاهی

استاد مشاور
دکتر فریده وجدانی

نگارش
مجید نظری

زمستان ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم بہ ہمسرہ بہ

پاس خوبی ہائیش

سپاسگزاری

از اساتید بزرگوارم جناب آقای دکتر محمود درگاهی و سرکار خانم دکتر سیده فریده وجدانی که در طول تحصیل و نگارش این رساله از راهنمایی‌ها و مشاوره‌های سودمندشان بهره‌ی وافری گرفته‌ام، سپاسگزاری می‌کنم.

برخود لازم می‌دانم تشکر صمیمانه‌ی خود را نسبت به اساتید محترم دانشکده‌ی علوم انسانی، اساتید داور و مسئولین محترم مرکز تحصیلات تکمیلی ابراز نمایم. همچنین تشکر خویش را به حضور دیگر دوستان به ویژه آقایان حسن رفیعی و علی محمد بیانی و خانم سمیه گل محمدی و همسر بزرگوارم که در تایپ، ویرایش، طراحی و صفحه‌بندی این رساله بنده را یاری نموده‌اند، تقدیم می‌دارم.

اندیشه‌ی دینی در شعر دوره‌ی مشروطه

هدف از رساله‌ی حاضر بررسی اندیشه‌ی دینی در شعر دوره‌ی مشروطه می‌باشد. در این زمینه شعر ده تن از شاعران شاخص مشروطه (ادیب الممالک فراهانی، ایرج میرزا، میرزاده‌ی عشقی، عارف قزوینی، محمدتقی بهار، دهخدا، فرخی یزدی، میرزا علی اکبر صابر، ابوالقاسم لاهوتی و سیداشرف‌الدین گیلانی) مورد بررسی قرار گرفته است.

پرسش‌هایی که در این رساله مدنظر قرار گرفته، عبارتند از :

۱- اندیشه‌ی دینی شاعران و نویسندگان عصر مشروطه چه بوده است؟

۲- اندیشه‌ی دینی شاعران این عصر تا چه اندازه متأثر از اندیشه‌های غربی بوده است؟

۳- علت تضاد فکری برخی از شاعران ناشی از چه عواملی بوده است؟

رساله شامل یک مقدمه و پنج فصل با عناوین زیر است:

فصل اول: مفاهیم و کلیات، فصل دوم: وضعیت اجتماعی و سیاسی عصر مشروطه، فصل سوم:

اندیشه‌ی دینی در دوره‌ی مشروطه، فصل چهارم: وضعیت شعر در عصر مشروطه و فصل پنجم: اندیشه‌ی

دینی در اشعار شاعران که با استفاده از منابع فارسی و تحقیق کتابخانه‌ای تهیه و تنظیم شده است.

آنچه که در این رساله می‌توان به آن دست یافت، این است که با وجود اندیشه‌ی دینی سنتی در

شاعران سنت‌گرائی چون ادیب‌الممالک به قطع می‌توان گفت که اندیشه‌ی دینی اکثر شاعران مشروطه به

دلیل آشنایی با دنیای غرب و اندیشه‌های غربی بسیار متحول گردیده است و این تحول و دگرگونی در اشعار

شاعران این دوره به وضوح دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: دین، اندیشه‌ی دینی، شعر، مشروطه

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	مقدمه
۵	فصل اول : مفاهیم و کلیات
۶	۱-۱ دین در فرهنگ لغات
۶	۲-۱ تعاریف دین
۷	۳-۱ فاستگاه دین
۸	۴-۱ طبقه بندی ادیان
۹	۵-۱ ابعاد دین در زندگی
۱۰	۶-۱ مفهوم مشروطه
۱۰	۷-۱ لغت مشروطه
۱۰	۸-۱ شعر مشروطه
۱۱	فصل دوم : اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر مشروطه
۱۳	۱-۲ اوضاع داخلی و اجتماعی ایران
۱۶	۲-۲ زمینه‌های اجتماعی و فکری مشروطیت ایران
۱۸	۳-۲ کانون‌های نهضت مشروطیت
۱۹	۴-۲ مراحل شکل‌گیری نهضت مشروطه
۲۱	۵-۲ پالاش سنت و تجدد

۲-۶ پیامدها و فرجام مشروطه	۲۶
۲-۷ ایدئولوژی و مبانی فکری نهضت مشروطیت	۳۰
۲-۸ تعارضات مبنایی مشروطیت ایران و علل ناکامی آن	۳۴
۲-۹ سکولاریسم و شکل‌گیری آن در ایران	۳۶
فصل سوم : اندیشه‌ی دینی در دوره‌ی مشروطه	۳۳
۳-۱ وضعیت دین از ابتدای عصر غیبت تا صفویه	۴۶
۳-۲ وضعیت دین در عصر صفویه	۴۷
۳-۳ وضعیت دین در دوره‌ی قاجار	۴۷
۳-۴ وضعیت دین در دوره‌ی مشروطه	۴۸
۳-۵ دین و سنت‌ها در دوره‌ی قاجار	۴۹
۳-۶ مراسم تعزیه و روضه خوانی	۵۰
۳-۷ فرقه‌های مذهبی در دوره‌ی قاجار	۵۱
۳-۸ شاخه‌های جریان فکری دینی	۵۲
۳-۹ روشنفکری در ایران	۵۳
۳-۱۰ جریان فکری روشنفکران	۵۵
۳-۱۱ رابطه‌ی مشروطه و دین	۶۲
۳-۱۲ دین و سیاست	۶۷
۳-۱۳ پروتستان‌تیزم اسلامی و اصلاحات دینی	۷۱

<u>عنوان</u>	<u>صفحه</u>
۱۴-۳ اومانيسم و مليت	۸۱
۱۵-۳ زمينه‌هاي اقتدار رومانيون	۸۴
۱۶-۳ رومانيت شيعه و مڪومت	۹۵
۱۷-۳ مكاتب فكري مشروطيت	۹۹
فصل چهارم : بررسي وضعيت شعر در عصر مشروطه	۱۰۳
۱-۴ وضعيت كلي شعر مشروطيت	۱۰۵
۲-۴ دگرگوني و تحول در فرم شعر مشروطه	۱۰۶
۳-۴ تحول در محتوای شعر مشروطه	۱۰۹
۴-۴ فصائل و فصائص شعر مشروطه	۱۱۰
۵-۴ وضعيت شعر ديني مشروطيت	۱۱۸
۶-۴ سير تحول شعر فارسي	۱۲۲
۷-۴ تأثير متقابل شعر و مشروطيت	۱۲۶
۸-۴ تحول در نقش و رسالت شعر	۱۲۹
۹-۴ مطبوعات و شعر مشروطه	۱۳۲
۱۰-۴ بازتاب حوادث داخلي و فاربي در شعر مشروطيت	۱۳۶
۱۱-۴ كيفيت بازتاب اندیشه‌هاي ديني در شعر	۱۴۱
۱۲-۴ بن مایه هاي شعر مشروطه	۱۴۲
۱۳-۴ عرب‌ستيزي و اسلام‌ستيزي	۱۴۸

<u>عنوان</u>	<u>صفحه</u>
۱۴-۱۴ تجدید در شعر	۱۵۱
۱۴-۱۵ انتقاد از سنت‌های دینی	۱۵۴
۱۴-۱۶ فمینیسم و مضور زن در شعر	۱۵۷
۱۴-۱۷ ترجمه	۱۵۹
۱۴-۱۸ پیشگامان مُدرنیسم و تجدید ادبی	۱۶۲
فصل پنجم : اندیشه‌ی دینی در شعر شاعران مشروطه	۱۶۸
۵-۱ اندیشه‌ی دینی در شعر ادیب الممالک فراهانی	۱۷۳
۵-۲ اندیشه‌ی دینی در شعر ملک الشعراء بهار	۱۷۸
۵-۳ اندیشه‌ی دینی در شعر دهفدا	۱۸۸
۵-۴ اندیشه‌ی دینی در شعر ایرج میرزا	۱۹۳
۵-۵ اندیشه‌ی دینی در شعر سید اشرف الدین مسینی (نسیم شمال)	۲۰۱
۵-۶ اندیشه‌ی دینی در شعر عارف قزوینی	۲۰۸
۵-۷ اندیشه‌ی دینی در شعر میرزاده عشقی	۲۱۴
۵-۸ اندیشه‌ی دینی در شعر لاهوتی	۲۲۲
۵-۹ اندیشه‌ی دینی در شعر فرّی یزدی	۲۳۰
۵-۱۰ اندیشه‌ی دینی در شعر میرزا علی اکبر صابر	۲۳۷
نتیجه‌گیری	۲۴۴
منابع و منافع	۲۴۶

ایجاد ارتباط فرهنگی تنگاتنگ بین ایران عصر قاجار از یک سو و جوامع پیشرفته و متمدن غرب از سوی دیگر ضرورت ایجاد اصلاحات و دگرگونی‌های نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در ایران مطرح نمود و تلاش‌های متجددان و روشنفکران زمینه‌ی اصلاحات را در بیشتر زمینه‌ها فراهم آورد. روشنفکران خواهان اصلاحاتی در جامعه‌ی سنتی بودند. آنان خواستار برقراری یک جامعه‌ی عاری از ظلم و استبداد بودند که حقوق مردم در آن رعایت گردد. آنان نیک دریافته بودند که تأمین عدالت و حقوق مردم در جامعه امکان‌پذیر نیست مگر این‌که استبداد و حکومت مطلقه به وسیله‌ی تدوین قوانین عرف و رعایت قوانین شرع کاهش یابد و همه‌ی مردم در برابر قانون مساوی و برابر باشند.

تحولات آزادی‌خواهانه‌ای که به نهضت مشروطیت منتهی شد حاصل تلاش دو گروه مذهب‌یون و سیاسیون بود که اگرچه هر دو گروه در سرنگون ساختن رژیم استبدادی اشتراک نظر داشتند ولی در اداره‌ی کشور متحدالرأی نبودند.

حاکم شدن قوانین عرفی در تحول اندیشه‌ی دینی نقش تعیین‌کننده‌ای داشت و شاعران متجدد مشروطه که متأثر از اندیشه‌های روشنفکران بودند، دچار تحول فکری شده بودند و اندیشه‌ی دینی آنان نیز بسیار متحول شده بود.

این رساله درصدد است تا به بررسی اندیشه‌ی دینی شاعران مشروطه بپردازد. همچنین سعی شده تا عوامل شکل‌دهنده‌ی اندیشه‌ی متجددانه‌ی آنان در حوزه‌ی تفکرات دینی شناسایی شود پرسش‌هایی که در این رساله مدنظر قرار گرفته است عبارتند از:

۱- نگاه شاعران مشروطه به دین چگونه بوده است؟

۲- علت تضاد فکری برخی از شاعران آن دوره ناشی از چه عواملی بوده است؟

۳- اندیشه‌ی دینی شاعران آن عصر تا چه حد متأثر از اندیشه‌های غربی بوده است؟
همچنین سئوالات دیگری در این زمینه مطرح شده است که:

۱- آیا اندیشه‌های الحادی کمونیسم بر اندیشه‌ی دینی شاعران دوره‌ی مشروطه تأثیر داشته است؟

۲- نگاه فکاهی به دین در بین شاعران مشروطه چگونه بوده است؟

در این رساله بخش عمده‌ی پژوهش، کتابخانه‌ای است و تا حد امکان تلاش شده است که منابع دست اول مورد استفاده قرار گیرد. اما در برخی جاها ناگزیر به استفاده از منابع دست دوم نیز گردیده‌ایم. با وجود تلاش‌های بسیار مطالب ناگفته بسیار مانده که امید است در آینده دیگران و یا نگارنده بتوانند به آن دست یازند.

رساله مشتمل بر پنج فصل به شرح ذیل می‌باشد:

فصل اول: «مفاهیم و کلیات»، در این فصل به تعاریف مشروطه، شعر مشروطه و تعاریف دین از دیدگاه روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و فلاسفه پرداخته شده است.

فصل دوم تحت عنوان «اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر مشروطه» به بررسی وضعیت اجتماعی و سیاسی دوره‌ی مشروطه، زمینه‌های فکری و اجتماعی نهضت مشروطه و اوضاع داخلی و دیگر موارد مشابه می‌پردازد.

فصل سوم که با عنوان «اندیشه‌ی دینی در دوره‌ی مشروطه» می‌باشد. در این فصل به وضعیت کلی دین و شاخه‌های جریان فکری دینی، اعم از روشنفکران و علما، اصلاحات دینی و مکاتب فکری و موارد دیگر پرداخته شده است.

فصل چهارم: بررسی وضعیت شعر در عصر مشروطه عنوان فصل چهارم است. وضعیت کلی شعر، تأثیر متقابل شعر و مشروطه، بن‌مایه‌های شعر مشروطه، سیر تحول شعر در عصر مشروطه و تجدد ادبی از موضوعات این فصل است.

فصل پنجم: که با عنوان اندیشه‌ی دینی در شعر شاعران مشروطه می‌باشد، اصلی‌ترین کار محقق را دربر می‌گیرد و درصدد بررسی اندیشه‌ی دینی و تحولات و انعکاس آن در شعر شاعران شاخص مشروطه می‌باشد.

پیشینه‌ی تحقیق: در زمینه‌ی اندیشه‌ی دینی در شعر دوره‌ی مشروطه تحقیق جامع و مستقلی صورت نگرفته است. ولی تحقیقات قریب به مضمون فوق با عناوین مبانی فکری ادبیات مشروطه و اندیشه‌ی دینی در شعر نو انجام شده است. امید است تحقیق مزبور راهگشای سایر دانشجویان گردد تا عیوب کار این تحقیق را در آینده تکمیل نمایند.

منابع و مأخذ

قبل از ورود به بحث، لازم است نگاهی اجمالی و گذرا به منابع مورد استفاده در این رساله افکنده شود.

با توجه به این که موضوع مورد تحقیق رساله شامل سه حوزه‌ی تاریخ، الهیات و ادبیات می‌گردد ناگزیر به استفاده از منابع مرتبط با سه حوزه بودیم. کتاب‌هایی که در این رساله مورد استفاده قرار گرفت را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

دسته‌ی اول کتب تاریخی: در این دسته سعی شده حتی‌الامکان از منابع دست اول درباره‌ی تاریخ مشروطیت استفاده گردد که مهمترین آن منابع عبارت بودند از: تاریخ مشروطه‌ی ایران احمد کسروی، تاریخ بیداری ایرانیان، ناظم الاسلام کرمانی، حیات یحیی، دولت آبادی و ...

دسته‌ی دوم: منابعی که مرتبط با حوزه‌ی دین و اندیشه‌ی دینی بودند. در این دسته از کتب معتبری چون: اندیشه‌ی سیاسی در اسلام حمید عنایت، نقش علما در سیاست محسن بهشتی، تشیع و مشروطیت در ایران عبدالهادی حائری، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت حامد الگار و ... استفاده گردیده است.

دسته‌ی سوم: منابع مرتبط با ادبیات و شعر بود که مهمترین منابع این دسته دیوان اشعار شاعران مورد تحقیق بودند. ولی از کتب معتبر دیگری چون سنت و نوآوری در شعر قیصر امین‌پور، از صبا تا نیما آرین‌پور، مبانی فکری ادبیات مشروطه اکبری بیرق، طلیعه‌ی تجدد در شعر فارسی کریمی حکاک، تجدد و تجدد ستیزی در ایران، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت شفیعی کدکنی و ... نیز استفاده‌ی شایانی گردید.

سیر تحول اندیشه‌ی دینی

اندیشه‌ی دینی در دنیای اسلام و ایران همواره ماجرای پرفراز و نشیبی بوده است و تحولات و تطورات مختلفی را داشته است. گرایش‌های مختلف و گاه متناقض و دور از اندیشه‌ی ناب دینی و گوهر دین و به بیراهه از حقیقت اندیشه‌ی اسلامی جزء حقیقت سیر اندیشه‌ی دینی بوده است. تکاپوی فکری و تلاش‌های علمای دین در گذشته گویای این حقیقت است که آنان در پی پاسخ‌گویی به ضرورت‌های یک تمدن در حال رشد بوده‌اند. اختلاف نظرها در بسیاری موارد باعث بالندگی و رشد اندیشه اسلامی و در برخی موارد باعث اضرار به دین بوده است. معتزله با پیش فرض‌های اعتزالی در پی فهم دین از قرآن بود و اشاعره نیز با پیش فرض‌های ذهنی خویش قرائت خاص خویش از قرآن و دین را داشت. با ورود اندیشه‌ی فلسفی یونان به دنیای اسلام، اندیشه‌ی دینی رنگ فلسفی گرفت و قرآن با دیدگاه ارسطویی تفسیر می‌شد. هرچند فلسفه‌ی یونان در تعمق دید متفکران اسلامی بی‌تأثیر نبود، اما آنان را درباره‌ی قرآن دچار کج‌اندیشی نمود و به همین دلیل ندای مخالفت با فلسفه در دنیای اسلام سر داده شد و غزالی بزرگ‌ترین مخالف آن، تهافت الفلاسفه، را به رشته‌ی تحریر درآورد. زهد و تصوف افراطی متصوفه هم باعث دور کردن مسلمین از گوهر دین شد. منظور همان تصوف منفی بود که منافی فعالیت‌های اجتماعی بوده و در کنج عزلت خزیده بود و ورود به عرصه‌های اجتماعی را بر نمی‌تابید. خلاصه همه‌ی این گروه‌ها از حرکت اعتزالی و مذهب اشعری گرفته تا خوارج و مرجئه و اهل حدیث و تقابل فقها و متکلمان و فلاسفه و برداشت‌های عرفانی عارفان از دین را می‌توان در گذر تاریخ جزء اندیشه‌ی دینی مسلمانان قلمداد نمود.

پس در نتیجه‌ی برداشت‌ها و قرائت‌های مختلف از دین بخش‌هایی از دین متروک گشته، بخش‌هایی تحریف شده، بخش‌هایی گرفتار التقاط گشته و قسمت‌هایی دچار عدم کارآیی و تحجر شده است. از طرف دیگر اقداماتی از سوی متفکران و اندیشمندان دینی در جهت احیای بخش‌های متروک، اصلاح بخش‌های تحریف شده و بازسازی بخش‌های ضعیف و منجمد شده به انجام رسیده است. لذا اندیشه‌ی پیرامون دین یکی از دغدغه‌های مهم اندیشمندان دینی بوده و دو گرایش نسبت به دین همواره وجود داشته است. یک گرایش به تجدید اندیشه‌ی دینی و دیگری متمایل به احیای اندیشه بوده است. معتقدان به تجدید اندیشه‌ی دینی بر این باورند که همواره هر فکری در حال تجدید و نوسازی و بازسازی اصول و فروع خود است. ادیان نیز از این قاعده مستثنی نیستند و به عبارت دیگر معرفت دینی همواره در حال تکامل و اصلاح است و از نظر آنان نهضت‌های پروتستانتیسم و نحله‌های آن نهضت‌های اصیلی هستند که باعث تعالی دین در جامعه می‌گردند. اما در مقابل این جریان و گرایش، نهضت احیای دینی قرار دارد که در این تفکر، دین فراموش شده، دوباره در قلوب بشر احیا شده، احساس دینی نیرو می‌گیرد.

در این رساله بحث، معطوف به اندیشه‌ی دینی و بازسازی اندیشه‌ی دینی در بین شاعران دوره‌ی مشروطیت است. منظورمان از بازسازی اندیشه‌ی دینی به مفهوم ارائه‌ی تفاسیر جدید از متون دینی و سنت‌های دینی است که قابلیت نقد عقلانی را داراست. عوامل خاصی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم سبب گردید متفکران و اندیشمندان دینی و به تبع آن شاعران به تفسیر جدیدی از معرفت دینی دست یابند که از عمده‌ترین آنها دگرگونی‌های دنیای جدید بود. تغییرات تازه باعث پیدایش تفسیرهای متعددی از دین شد. البته فرایند تفسیر مسیر واحدی را نپیمود.

تحول فکری در جامعه‌ی ایران که از دهه‌های پیش از مشروطیت شروع شده بود در آستانه‌ی نهضت مشروطیت به اوج خود رسید. گفتمان غالب در حوزه‌ی اندیشه‌ی دینی نگاه انتقادی به دین بود. از دوره‌ی مشروطه به این سو اوضاع و احوال حاکم بر جامعه‌ی فکری ایران و از جمله جریان بازسازی اندیشه‌ی دینی به کلی تغییر یافت. در نتیجه تفاسیر جدیدی از متون دینی پا به عرصه‌ی وجود نهاد. به عبارتی در عصر مشروطه تفسیرهای ملی‌گرایانه، آزادی‌خواهانه و عدالت‌طلبانه‌ی جدید از متون دینی ارائه گشت. «از آنجا که دین قدسی و آسمانی است و معرفت دینی، زمینی و انسانی است بنابراین دین امری ثابت است و آن که تغییر می‌کند اندیشه و معرفت دینی است.^۱» لذا راه برای اندیشه و معرفت دینی مفتوح است.

سخن گفتن از اصلاح دینی نیز به معنی بازسازی و تکمیل دین نیست. آنچه که محتاج بازسازی است، معرفت و اندیشه‌ی دینی است. از آنجا که معرفت بشری ناقص است و همواره آمیخته به شوائب است لذا فهم از دین همیشه متغیر است و اندیشه‌ی دینی نه تنها بدعت و نوآوری در اصل دین نیست بلکه به عنوان یک نیاز اساسی در حوزه‌ی معرفت دینی مطرح است. در عرصه مشروطه فهم از دین تاحدودی نوگرایانه است و اصولاً «آدمی که فهمش از همه چیز در سیلان و جریان است، فهم دینی خود را نیز تغییر خواهد داد، و با سایر فهم‌ها پیوند و تناسب خواهد بخشید». «لذا تحول فهم دینی محصول توطئه‌ی ناکسان و ابلیسان نیست.^۲» عصر مشروطه که در نوع خود بی‌نظیر است و اولین برخورد واقعی یک جامعه‌ی دینی سنتی با جوامع صنعتی می‌باشد، بر جهان بینی روشنفکران و شاعران تأثیر شگرفی نهاد.

جهان‌شناسی جدید نویسندگان و منورالفکران بازسازی اندیشه‌ی دینی را الزام می‌کرد. لذا به تبع روشنفکران دینی شاعران تجددگرا نیز سعی در گام نهادن در آن وادی نمودند و فهم جدید خود را در سروده‌هایشان به جامعه عرضه نمودند. تلاش برای زدودن خرافات از دین، مبارزه با سنت‌های غلط دینی، انتقاد از عملکرد برخی متظاهران دین فروش و به تمسخر گرفتن برخی از اعمال معارض با اصل دین را می‌توان در قالب فهم و اندیشه‌ی دینی جدید شعرای عصر مشروطه تلقی نمود. به نظر دکتر سروش اگر در عصر مشروطه پاره‌ای از روشنفکران به دین بی‌مهری ورزیدند از روی کینه با دیانت نبود، بلکه بیشتر از آن رو بود که دیانت عرضه شده به آنان فاقد صورتی زیبا و نمکین بود.

در اوان مشروطیت که سیل معارف غربی در دیار ما جاری شد و فلسفه و علم و حقوق و سیاست آنان اذهان نوجویان و مشتاقان را پر کرد و همگان را بهتی و حیرتی مهیب درگرفت و خود باختگی‌ها و تمکین‌ها القا شد. درست وقتی بود که پیکر اندیشه‌ی دینی به رنجوری و بیماری بسیار مبتلا بود. جز ادب فقهی از آن چیزی نمانده بود که دل زیرکان را برآید.^۳

۱- سروش، عبدالکریم، ۱۳۷۰، قبض و بسط تئوریک شریعت، صفحه ۶

۲- پیشین، صفحه ۹۳

۳- پیشین، صفحه ۱۱۰

فصل اول :

کلیات و مفاهیم

- دین در فرهنگ لغات
- تعاریف دین
- فاستگاه دین
- طبقه‌بندی ادیان
- ابعاد دین در زندگی
- مفهوم مشروطه
- لغت مشروطه
- شعر مشروطه

مفاهیم و کلیات

۱-۱ دین در فرهنگ لغات

- «دین کلمه‌ای عربی است که در زبان‌های سامی مانند عبری و آرامی به کار رفته و به معنای قضاوت و جزا آمده است. مانند یوم‌الدین. در زبان عربی دین به معنای اطاعت، انقیاد و آیین و شریعت، یعنی وضع و تأسیس الهی که مردم را به رستگاری هدایت می‌کند و شامل عقیده و عمل هر دو است، مانند دین یهود، اسلام و ... آمده است.»^۱
- «دین: تمام احکام و مسائلی که خدا را با آن می‌پرستند. مشترک بین ایرانی و سامی است. ۱- آئین و کیش، سیرت، راه و روش، عادت، خلق و خوی، حال، چگونگی، شأن ۲- نام فرشته‌ای است که به محافظت قلم مأمور است ۳- نام روز بیست و چهارم بود از ماههای شمسی و در عربی به معنی راه و روش و کیش و عادت و فرمانبرداری و شأن و شوکت و مرتبه و مالک و پادشاه باشد.»^۲
- «دین: کیش (منته‌الارب)، طریقت، شریعت، مقابل کفر. در سانسکریت و گاتها و دیگر بخش‌های اوستا مکرر کلمه‌ی "دینا" آمده است و در گاتها به معنی کیش و خصائص معنوی، تشخیص معنوی و وجدان به کار رفته است. به معنی اخیر دین یکی از قوای پنجگانه‌ی باطن انسان است اما در عربی از ریشه‌ی دیگر و مأخوذ از زبان‌های ثانی است و تازیان این کلمه را مع‌الواسطه از زبان اکدی گرفته‌اند.»^۳
- «دین : آئین، کیش، ملت، مذهب، سیرت، طریقه، پرهیزکاری، خداشناسی، حساب، حکمرانی، حکومت، قضا، دادرسی»^۴
- «دین (din) مشترک بین ایرانی و سامی است : daena. پهـ din کیش و وجدان؛ اکدی dinu, denu, قانون و حق و داوری، ع: دین، آیین (!) ۱: نام ایزدی است ۲: روز بیست و چهارم هر ماه شمسی ۳: آیین، کیش ۴: راه و روش»^۵

۱-۲ تعاریف دین

- فروید : «دین چیزی جز توهم (پندار باطل) نیست.»^۶
- ای. بی تیلور: «دین اعتقاد به موجودات الهی است.»^۷
- مایکل پترسون: «دین متشکل از مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و احساسات (فردی و جمعی) است که حول مفهوم حقیقت نمایی سامان یافته است.»^۸

۱- آذربایجان، مسعود، ۱۳۸۷، روان‌شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز، صفحه ۳۸

۲- خلف تبریزی، محمدحسین، ۱۰۶۲ هـ.ق، برهان قاطع

۳- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۶، فرهنگ دهخدا

۴- جر، خلیل، ۱۳۶۷، فرهنگ لاروس (عربی-فارسی)، ترجمه‌ی سید حمید طبیبیان

۵- معین، محمد، ۱۳۸۶، فرهنگ فارسی جلد ۲

۶- آذربایجان، پیشین، صفحه ۴۶

۷- پیشین، صفحه ۴۶

۸- پیشین، صفحه ۴۳

- ویلیام جیمز: «دین عبارت است از احساسات، اعمال و تجربیات افراد هنگام تنهایی، آن گاه که خود را در برابر هر آنچه الهی نامند، می‌یابند.»^۱
- شلایر ماخر: «جوهر دین عبارت است از احساس تعلق یا اتکای مطلق.»^۲
- کانت: «دین عبارت است از شناخت تکالیف ما به عنوان احکام الهی.»^۳
- رودلف اتو: «دین عبارت است از خشیت در مقابل موجود متعالی»^۴
- رایناخ: «دین عبارت است از مجموعه‌ای از اوامر و نواهی که مانع عملکرد آزاد استعدادها می‌گردد»^۵
- تی یل: «دین وضعیتی روحی یا حالتی ناب و حرمت آمیز است که آن را خشیت می‌خوانیم»^۶

۳-۱ خاستگاه دین

منشأ دین از نظر فلاسفه

- رویکرد فلاسفه در مورد خاستگاه دین بدین گونه است که بیشتر منشأ دین را اموری مانند تجربه‌ی دینی، مواجهه با امر قدسی، فطرت و مانند آن می‌دانند.
- **رودلف اتو (Otto, R)** «منشأ دین از دیدگاه اتو، تجربه‌ی دینی خاصی است که انسان با امر قدسی یا مینوی با اوصاف جلال و جمالش روبه‌رو می‌شود و احساسات خاصی را تجربه می‌کند از نظر او دین براساس مواجهه‌ی روح و جان آدمی با امر قدسی است.»^۷
- **میرچا الیاده (Eliade, M)** «وی با تقلیل‌گرایی دین به اموری مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فیزیولوژی و مانند آن‌ها به شدت مخالف است و اعتقاد دارد که باید حوزه‌ی دین را مستقل در نظر گرفت. وی منشأ دین را تجربه‌ی امر قدسی می‌داند. از نظر وی بشر همواره در تلاش بوده جهان فرا انسانی را تجربه کند.»^۸
- **مرتضی مطهری:** «وی منشأ دین را در انسان عمدتاً فطرت خاص انسان می‌داند و او را دارای نیرویی می‌داند که در پی جذب حقیقت است. او غریزه‌ی خداخواهی و خداجویی را نوعی جاذبه‌ی معنوی فرض می‌کند که انسان بی آن که خود بداند، تحت تأثیر آن نیروی مرموز قرار دارد.»^۹

۱- پیشین، صفحه‌ی ۴۶

۲- پیشین، صفحه‌ی ۴۵

۳- صانعی دره بیدی، منوچهر، ۱۳۸۱، دین در محدوده‌ی عقل تنها، صفحه‌ی ۱۲

۴- پیشین، صفحه‌ی ۱۲

۵- پیشین، صفحه‌ی ۱۲

۶- پیشین، صفحه‌ی ۱۲

۷- آذربایجانی، پیشین، صفحه‌ی ۹۴

۸- پیشین، صفحه‌ی ۹۴

۹- پیشین، صفحه‌ی ۱۱۱

منشأ دین از نظر جامعه‌شناسان

- **کارل مارکس:** جامعه‌شناس مشهور آلمانی دین را ساخته‌ی دست انسان و فرافکنی آرمان‌های والای او می‌داند. او دین را محصول از خود بیگانگی انسان می‌داند که به جای تحقق وجود حقیقی خود، آن را در موجودی خیالی جست‌وجو می‌کند و فضایی را که خود دارد به بیرون فرافکنی می‌کند و به موجودی موهوم نسبت می‌دهد و با نفی ارزش‌های خود، موجودی متعالی و دارای ارزش‌های والا را اثبات می‌کند.
- **امیل دورکیم:** اصل نظر او در مورد منشأ دین آن است که هرچند مردم توت‌های خود را می‌پرستند اما این ظاهر قضیه است و آنان در حقیقت جامعه‌ای را که در آن زندگی می‌کنند، می‌پرستند. نظام فکری دورکیم به نام پوزیتویسم اجتماعی مشهور است.^۱

منشأ دین از نظر روان‌شناسان

- **فروید:** «وی منشأ دین را در انسان، بیماری وسواسی همگانی که جنبه‌های تاریخی دارد و یا احساس ضعف کودکانه در بزرگسالی می‌داند که در هر حال دین توهم و پندار باطل است.»^۲
- **کارل گوستا یونگ:** «از نظر یونگ خاستگاه دین ضمیر ناهشیار جمعی است که حاوی صورت‌های ازلی (آرکی تایپ‌ها) متعدد از جمله خداوند است. بشر خدا را اختراع نمی‌کند بلکه انتخاب می‌کند.»^۳
- **ویلیام جیمز:** «جیمز عمیق‌ترین منشأ دین‌داری را در بُعد روان‌شناختی انسان و در ساحت عواطف انسانی می‌داند.»^۴

۴-۱ طبقه‌بندی ادیان

- دین را از نظر گاه‌های گوناگون به انواع مختلفی طبقه‌بندی نموده‌اند :
- ۱- در نوعی ادیان را به عنوان ادیان صحیح و غلط تقسیم کرده‌اند.
 - ۲- یک نوع طبقه‌بندی سنتی ادیان این است که گروهی از آن‌ها را به ادیان طبیعی و بقیه را ادیان مبتنی بر وحی دانسته‌اند.
 - ۳- نوع دیگر تقسیم‌بندی این است که ادیان را به مرده و زنده تقسیم کرده‌اند.
 - ۴- ادیان بر حسب منشأ جغرافیایی نیز تقسیم شده‌اند. از این منظر آسیا زادگاه تمام ادیان زنده‌ی جهان محسوب می‌گردد. ادیان هندویی، بودایی، کنفوسیوسی، شینتو، یهودی، زرتشتی، اسلام و مسیحیت از آسیا نشأت گرفته‌اند.

۱- پیشین، صفحه‌ی ۸۹

۲- پیشین، صفحه‌ی ۹۱

۳- پیشین، صفحه‌ی ۹۳

۴- همان، صفحه‌ی ۱۱۱

- ۵- ادیان را با توجه به زمان شروع تقریبی نیز تقسیم نموده‌اند. مثل:
- دین هندویی (۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح)
 - زرتشتی (۶۶۰ سال پیش از میلاد مسیح)
 - اسلام (۵۷۰ میلادی)
- ۶- تقسیم‌بندی دیگر ادیان برحسب تعداد پیروان آنهاست.
- ۷- ادیان همچنین برحسب دامنه‌ی توسعه‌ی آنها تقسیم‌بندی شده‌اند. تنها سه دین وجود دارد که واقعاً هدف جهانی بودن دارند. ادیان بودایی، مسیحیت و اسلام^۱

۱-۵ ابعاد دین در زندگی

دین وجه ممیزه‌ی بشر است. بشر عموماً موجودی دینی است. آنچه که تاریخ بشر گواهی می‌دهد آن است که هیچ قبیله و قومی فاقد دین نبوده است. دین از قدرتمندترین عوامل مؤثر تاریخ بشری است. دین به حقیقت ویژگی شاخص و برجسته‌ی تمام تاریخ بشر است. آرامش و طمأنینه‌ی خاطری که از دین برای انسان به دست می‌آید، از هیچ منبع و مرجع دیگر قابل دسترس نیست. هر دینی معمولاً به مؤمنان به خود و بر جامعه تأثیر زیادی دارد. بشر از ابتدای زندگی برای تحمل آلام و دردهای آن، ارتقا بخشیدن به کیفیت زندگی این دنیایی، امید به زندگی بهتر در آینده، امید به فلاح و رستگاری و ... در پی عنصری به نام دین بوده است. رضایت خاطری که از دین برای انسان فراهم می‌آید فراتر از فلسفه و اخلاق یا فعالیت‌های دیگر فرهنگی است.

جنبه‌های مختلفی در دین موجود است که گهگاه ما را با مسائل جدیدی در حوزه‌ی دین روبه‌رو می‌کند. آیا انجام آئین‌های عبادی، اساطیر دینی، دستورالعمل‌های اخلاقی و ... دین محسوب می‌شوند یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال «نینان اسمارت» در کتاب «تجربه‌ی دینی بشر» از جنبه‌های مختلف موجود در دین به «ابعاد دین» تعبیر می‌کند. از منظر او دین دارای ابعاد زیر است:

- ۱- «بُعد مراسم عبادی»
- ۲- بُعد اسطوره‌ای
- ۳- بُعد اعتقادی
- ۴- بُعد اخلاقی
- ۵- بُعد اجتماعی
- ۶- بُعد شخصی^۲

۱- کلیه‌ی این مطالب از کتاب ادیان زنده‌ی جهان اثر رابرت هیوم ترجمه‌ی عبدالرحیم گواهی صفحات ۲۸ الی ۳۲ اخذ شده است.
 ۲- نینان اسمارت، ۱۳۸۳، تجربه‌ی دینی بشر، ترجمه‌ی مرتضی گودرزی، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۹-۱۲

۱-۶ مفهوم مشروطه

در نوشته‌های پژوهشگران تاریخ نو ایران و ترکیه واژه‌ی «مشروطه» به عنوان معادلی برای واژه‌ی انگلیسی Constitutionalism یا حکومتی که بر شالوده‌ی یک قانون اساسی و نظام پارلمانی بنیاد شده باشد به کار برده شده است.^۱

۱-۷ لغت مشروطه

در مورد ریشه‌ی لغوی واژه‌ی مشروطه تقریباً همه‌ی نویسندگان ایرانی دوره‌ی انقلاب مشروطه، واژه‌ی مشروطه را از ریشه‌ی عربی «شرط» گرفته‌اند. برخی دیگر چون تقی‌زاده و رضازاده‌ی شفق واژه‌ی «مشروطه» را از لفظ فرانسوی «لاشارت» (Lacharte) می‌دانند نه از واژه‌ی عربی شرط.^۲

۱-۸ شعر مشروطه

شامل مجموعه شعرهایی است که در نخستین دهه‌های قرن بیستم سروده شده است. به عبارتی بر شعرهایی دلالت دارد که از نظر موضوعی به نحوی با انقلاب مشروطه در سال‌های ۱۲۸۴ شمسی تا ۱۳۰۴ شمسی پیوند دارند. به معنی دقیق‌تر شعر مشروطه اشاره به آن دسته از اشعاری است که در سال‌هایی سروده شده است که انقلاب مشروطه در جریان بوده است.

۱- حائری، عبدالهادی، ۱۳۶۴، تشیع و مشروطیت در ایران، صفحه‌ی ۲۵۳

۲- پیشین، صفحه‌ی ۲۵۳

فصل دوم :

اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر مشروطه

- اوضاع داخلی و اجتماعی ایران
- زمینه‌های اجتماعی و فکری مشروطیت ایران
- کانون‌های نهضت مشروطیت
- مرام‌های شکل‌گیری نهضت مشروطه
- پالاش سنت و تجدید
 - تاریخچه‌ی تجدید
 - تجدید و فرهنگ ایرانی
 - رابطه‌ی علما و روشنفکران با تجدید
 - اصول و مبانی تجدید
- پیامدها و فرجام مشروطه
 - فرجام مشروطیت
- ایدئولوژی و مبانی فکری نهضت مشروطیت
 - ماکمیت قانون
 - محدود سافتن قدرت مطلقه‌ی سلطنت
 - دین و اتکا به مذهب
- تعارضات مبنایی مشروطیت ایران و علل ناکامی آن